



عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نكوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه تفسیر توره ربای خیم شیمل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توره، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آنا در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند."

"- ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

تفسیر هفتگی توره

Vayetse

Encountering God

وَيْتֶסֶ: رویارویی با خدا

این یکی از بزرگترین دورنماهای توره است. یعقوب، شبانه در تنهایی، هنگام فرار از خشم عساو، برای استراحت دراز می کشد و آنچه می بیند نه یک کابوس ترسناک، بلکه رؤیایی نبوت آمیز است:

سپس یعقوب به آن مکان رسید [vayifga bamakom] و تصمیم گرفت شب را آنجا بگذراند، زیرا خورشید غروب کرده بود. او چند سنگ را برداشت و زیر سرش گذاشت و آنجا برای خوابیدن دراز کشید. و رؤیای دید: او نردبانی دید که یک سر آن روی زمین بود و انتهای آن به آسمان ها می رسید. بر روی آن فرشتگان خدا بالا و پایین می رفتند. خداوند بالای سر او بود... پیدایش ۱۱-۱۳: ۲۸

سپس یعقوب از خواب بیدار شد و گفت: "به راستی که خدا در این مکان است و من نمی دانستم." او هراسان شد و گفت: "چه مکان هیبتناکی! اینجا همانا خانه‌ی خدا است و دروازه‌ای به آسمان‌ها!" پیدایش ۱۶-۷:

۲۸

حکیمان تلمودی برپایه‌ی این متن گفته اند که "یعقوب دعای عصر را پایه گذاشت." این اشاره در کلمه‌ی *vayifga* بازتاب یافته که نه تنها این معنا را دارد که "او رسید؛ رویاروی شد؛ برخورد کرد؛ اتفاقی دید"، بلکه می تواند این چنین معنی بدهد: که "دعاخواند؛ درخواست کرد؛ التماس نمود" همان گونه که در کتاب یرمیا می خوانیم: "برای آنان نه فریاد بزن و نه دعا بخوان و نه از من شفاعت بخواه [ve-al tifga bi]." یرمیا ۷:۱۶

حکیمان تلمودی همچنین واژه‌ی *baniakom* یا آن مکان را به معنای "خدا" (مکان جهان) گرفتند. بنابراین، یعقوب چرخه‌ی دعا‌های روزانه را تکمیل کرد. ابراهیم شخریت [دعای صبحگاهی] را پایه گذاشت، اسحق، دعای بعدازظهر یا مینحا و یعقوب، دعای شامگاهی یا معریو را پایه گذاری کرد.

این دیدگاهی تکان دهنده است. هر چند که همه‌ی دعا‌های روزهای هفته از نظر کلمات همسان هستند، اما هر یک شخصیت یکی از پدران قوم را بازتاب می دهد. ابراهیم، بیانگر صبح است. او آغازگر و کسی است که خودآگاهی دینی نوینی را به دنیا ارائه داد. با او روز آغاز می شود.

اسحق نماینده‌ی بعدازظهر است. اسحق هیچ عنصر نوینی ندارد — نه انتقال عمده‌ای از تاریکی به نور و نه از نور به تاریکی. بسیاری از رویدادها در زندگی اسحق، ادامه‌ی رویدادهای زندگی پدرش هستند. خشکسالی او را نیز مانند ابراهیم وامی دارد که به سرزمین فلسطینیان برود. او چاه‌های پدرش را بازسازی می کند.

زندگی اسحق، تداوم زندگی قهرمانانه در سکوت است. او حلقه‌ای در زنجیر عهد با خداست. او یک نسل را به نسل بعدی پیوند می دهد. او به زندگی ایمانی هیچ عنصر جدیدی نمی افزاید، اما زندگی او شرافت خاص خودش را دارد. اسحق، نماینده‌ی صفات پایداری، وفاداری و قاطعیت برای تداوم است.

یعقوب، نماینده‌ی شب است. او مرد هراس و گریز است، مردی که با خدا، دیگران و خودش گشتی می گیرد. یعقوب کسی است که با تاریکی دنیا آشنایی دارد.

اما این ایده که یعقوب دعای شامگاهی را پایه گذاشت، دارای یک اشکال است. در بخش مشهوری از تلمود، ربی یهوشوع این دیدگاه را مطرح می کند که برخلاف شخریت یا مینحا، دعای شامگاهی اجباری نیست (هرچند که بنا به تفسیرگران توراه در اثر پذیرش نسل های متوالی یهودیان، اجباری شده است). اما اگر یعقوب آنرا بنیاد گذاشت، چرا به همان اندازهی دعاهاى ابراهیم و اسحق، اجباری نشد؟ سنت تلمودی سه جواب ارائه می دهد:

پاسخ نخست این که عرویت بنابر کسانی که دعاهاى روزانه‌ی ما را نه برپایه‌ی پدران قوم، بلکه بر اساس قربانی هایی که به معبد داده می شدند، می دانند، اجباری نیست. در معبد، قربانی صبح و بعداز ظهر وجود داشت، اما قربانی عصر در کار نبود. هر دو دیدگاه دقیقاً در همین جا متفاوت می شوند، زیرا برای آنها که دعاها را به قربانی ها ربط می دهند، دعای شامگاهی داوطلبانه است، اما برای آنها که آنرا به پدران قوم نسبت می دهند، اجباری است.

دومین پاسخ این است که قانونی هست بر این اساس که افراد در حال سفر (حداقل برای سه روز) از خواندن دعا معافند. در روزگاری که سفرها خطرناک بودند و مسافران در هراس دائمی از حمله‌ی راهزنان به سر می بردند، تمرکز بر خواندن دعا ممکن نبود. دعا نیازمند تمرکز یا کوانا است. از این روی، یعقوب از خواندن دعا معاف بود و این رسم خود را نه به عنوان اجبار، بلکه همچون یک عمل داوطلبانه باب کرد و همین گونه باقی ماند.

پاسخ سوم این است که بر اساس یک سنت تلمودی، وقتی یعقوب در حال سفر بود "خورشید ناگهان غروب کرد" — یعنی نه در زمان معمول خود. یعقوب می خواست دعای بعداز ظهر بخواند، اما با کمال حیرت دید که شب فرارسیده است. عرویت به یک دعای اجباری تبدیل نشد، زیرا یعقوب اصلاً قصد خواندن دعای شبانه را نداشت.

اما شرح عمیقتری نیز وجود دارد. ساختار زبان شناختی متفاوتی برای هر یک از این سه موقعیت که حکیمان برای دعا قائل بودند، وجود دارد. ابراهیم "صبح زود در مکانی از خواب برخاست که روبه روی خدا ایستاده بود." (پیدایش ۱۹:۲۷). "اسحق نزدیک عصر برای مراقبه [lasuach] به صحرا رفت" (پیدایش ۲۴:۶۳ (یعقوب vayifga [bamakom] در آن مکان باخدا دیدار کرد؛ رویاروی شد؛ برخورد؛ یا اتفاقی روبه رو شد". تجربه های روحانی متفاوت هستند.

ابراهیم جستجوی خدا را آغاز کرد. او شخصیت دینی خلاقى داشت — ابراهیم پدر همه‌ی کسانی است که در سیر و سفری روحانی به سوی مقصدی ناشناخته می روند و تنها سلاح آنها اعتمادی است که جویندگان، آنرا می یابند. ابراهیم پیش از آنکه خدا او را بجوید، خدا را جست.

دعای اسحق همچون یک *sichah* یا گفتگو توصیف شده است. در یک گفتگو دو طرف وجود دارند: یکی که سخن می گوید و دیگری که گوش می دهد و سپس پاسخ می دهد. اسحق نماینده ی تجربه ی روحانی همچون یک گفتگو میان کلام خدا و کلام انسان است.

دعای یعقوب بسیار متفاوت است. او آغازگر دعا نیست. افکار او در جای دیگری هستند: متوجه عساو که در حال گریز از او بود و لابان که برای یافتن او در حرکت بود. در ذهن پر آشوب او رؤیتی از خدا راه می یابد و فرشتگان و نردبانی را می بیند که زمین را به آسمان ها پیوند می دهد. او هیچ کاری نکرده که آماده ی این رؤیای نبوت باشد. نامنتظره است. یعقوب به معنای دقیق کلمه با خدا "رویاری" می شود، همان گونه که ما گاهی با چهره ای آشنا در جمعی از بیگانگان روبه رو می شویم. این دیداری است که خدا سبب ساز آن شده، نه انسان. از این روی است که دعای یعقوب نمی تواند اجباری بشود. هیچ یک از ما نمی داند چه زمانی حضور خدا ناگهان به زندگی ما راه می یابد.

یک عنصر از زندگی روحانی هست که وراي کنترل خود آگاه ما است. ناگهان از جای نامعلومی در زمانی که اصلاً انتظارش را نداریم، سر می رسد. اگر ابراهیم نماینده ی سیر و سفر ما به سوی خدا است و اسحق گفتگوی ما با خدا را نمایندگی می کند، یعقوب نشانگر رویارویی خدا با ما است: بدون برنامه ریزی قبلی، بی وقت مشخص و نامنتظر؛ رؤیا، صدا، فراخوانی که ما هیچ گاه پیشاپیش از آن خبر نداریم، اما ما را دگرگون می سازد. همان گونه که برای یعقوب بود، برای ما نیز هست. گویی از خواب برخاسته ایم و برای نخستین بار دریافته ایم که "خدا در این مکان بود و من نمی دانستم." مکان، تغییری نکرده، بلکه ما دگرگون شده ایم. چنین تجربه ای هرگز نمی تواند موضوع یک اجبار بشود. کاری نیست که ما انجام بدهیم. چیزی است که بر ما رخ می دهد. *Vayfiga bamakom* یعنی ما هنگام فکر به امور دیگر، درمی یابیم که به حضور خدا گام نهاده ایم.

چنین تجربه هایی - چه به واقع و چه تمثیلی - در شب رخ می دهند. وقتی اتفاق می افتند که ما تنها، هراسان، آسیب پذیر و نزدیک به نومیدی هستیم. در آن هنگام است که وقتی کمترین انتظار وقوع آنرا نداریم، می توانیم زندگی خود را غرق در نور الهی بیابیم. ناگهان با قاطعیتی خدشه ناپذیر درمی یابیم که تنها نیستیم و خدا آنجاست و تمام مدت آنجا بوده، اما ذهن ما چندان مشغول امور خودمان بوده که متوجه او نشده ایم. یعقوب این گونه خدا را یافت - نه مانند ابراهیم با تلاش خودش؛ نه مانند اسحق از راه گفتگوی پیوسته؛ بلکه در گرماگرم هراس و انزوا. پای یعقوب

هنگام فرار می لغزد و درمی یابد که در بازوان گشوده‌ی خدا افتاده است. هیچ کسی که چنین تجربه ای کرده باشد، آه‌ها را فراموش نمی کند. "اینک می دانم که تمام مدت با من بودی، اما من به سویی دیگر می نگریستم."

دعای یعقوب از این دست بود. زمان هایی هست که ما سخن می گوئیم و زمان های دیگری هست که با ما سخن گفته می شود. دعا همیشه قابل پیش بینی، یا متعلق به زمان های معین و اجبار روزانه نیست. دعا می تواند گونه ای گشودگی و آسیب پذیری نیز باشد. خدا می تواند ما را غافلگیر ساخته، ما را از خواب بیدار کند و هنگامی که می افتیم، ما را نگه دارد.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیرین دخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org     @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved